

این گرایش نیازمند مطالعه و تکمیل بحث است.
دوره دکتری

تفسیر قرآن (۴)

گرایش علم ی در تفسیر قرآن مجید

سید محمد علی ایازی

۱۳۸۶



مقدمه

در قرن چهاردهم حرکتی در عالم تفسیر پدید آمد که بعدها از آن به تفسیر علمی یاد شد . در این حرکت مفسرینی در پی نوسازی تفسیر و نشان دادن جلوه دیگری از پیام های قرآن بودند . آنها از آیاتی که به آفرینش جهان، خورشید، ستارگان و کهکشانها پرداخته و نکاتی را از گذشته و آینده نظام طبیعت سخن گفته با تطبیق با علوم جدیدی چون هیئت، نجوم داده و کوشش کرده این تعبیرات از قرآن را با یافته های علمی عصر همسو نشان دهند.

تفسیر علمی در این سده اخیر از توجه بی سابقه ای برخوردار بوده است. و به همین موازات با تلقیات و برداشت های گوناگونی روبه رو بوده است. به ظاهر، تفسیر پرده برداری از معنای لفظ است، اما مراد از این اصطلاح، در این گرایش ظاهراً تنها توضیح دادن آیات قرآن در موضوعاتی است که در حوزه علوم تجربی قرار دارد. درحالی که برخی تفسیر علمی را به مثابه تطبیق نظریات و تئوری های علمی با آیات قرآن و حتی استخراج این علوم از قرآن دانسته، بدین روی گفته اند:

تعریف تفسیر علمی

اگر منظور از تفسیر علمی ، تفسیری باشد که اصطلاحات علوم را بر عبارت قرآن حاکم کند و تلاش نماید تا علوم مختلف را از قرآن استخراج کند، مورد اشکال است.^۱

اما تلقی دیگر می گوید: همان طور که علوم می مانند : ادبیات، لغت، تاریخ و ... علمی است که به خدمت قرآن گرفته می شود و از آنها در جهت کمک به فهم قرآن سود می جویند، علوم تجربی نیز چنین نقشی را می تواند ایفا کند و به فهم مفسر در آیاتی کمک کند که به گونه ای به مسأله علمی اشاره دارد.^۲

به هر حال در باره تفسیر علمی تعریف های گوناگونی ارائه شده است ، باید این تعریف ها را از هم جدا و به صورت مستقل طرح کرد.

۱. ذهبی، محمد حسین: التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۴۷۴ و ۴۸۵-۴۹۱.

۲. حلمی محمد، عبدالحافظ: العلوم البیولوجی فی خدمة تفسیر القرآن الکریم، مجله عالم الفکر، ج ۱۲، شماره ۴، ص ۹۹۷.

۱) موضع طرفداران مطلق تفسیر علمی و کسانی که معتقد به فراگیری قرآن در هر علمی هستند، در این تعریف گفته شده است :

هو تفسیر یذهب قائله الى استخراج جملة العلوم القديمة والحديثة من القرآن، ويرى في القرآن ميداناً يَنسَجُّ للعلم الفلسفي والانساني في الطب وال تشريح والجراحة والفلك والنجوم والهيئة وخلايا الجسم وأصول الصناعات ومختلف المعادن، فيجعل القرآن مستوفياً بآياته لهذه الحثيات، ويحكم الاصطلاحات العلمية في القرآن ويجتهد في استخراج هذه العلوم.^۳

در این تعریف به تلاش مفسر در استخراج دانش هاو تحکیم اصطلاحات علمی بعبارات قرآنی اشاره شده است. از سوی دیگر در این تلاش برای استخراج انواع گوناگون علوم همچون: نجوم ، فلسف پزشکی، انسانی، از قرآن بمتابه کتاب علمی استفاده شده است.

۲) در تعریف دیگر آمده است : التفسير العلمي: ربط الحقائق العلمية الثابتة للعوالم الكونية والطبيعية المختلفة بمعاني الآيات القرآنية بدلالة الألفاظ اللغوية على المعاني في المشهور من المأثور والمعهود في اللغة.^۴ تکیه این تعریف، استناد به الفاظ قرآن و روش اجتهادی و دلالت کلام به روش مفسرین پیشین است . مانند فخر رازی در مفاتیح الغیب . برخلاف تعریف پیشین که تنه ا از باب تطبیق عمل می کند ، مانند طنطاوی در تفسیر الجواهر.

وهذا غير استخراج جملة العلوم القديمة والحديثة من القرآن وفرق واضح بينهما؛ لأنّ الأول: يعتقد بتضمن القرآن لجميع هذه العلوم من حيث هي علوم ومعارف، والثاني: يعتقد أنّ القرآن حين تناول مظاهر الكون عامة من الشمس والقمر والنبات والمطر، لم يتناولها ليعطينا قواعد علمية عن هذه الاشياء، ولكن ليلفت النظر الى الدليل النظري الذي يدل على عظمة الله جل شأنه، ولن نستطيع أن نلفت النظر إنّ لم نطلع على العلوم والمعارف، إذ في ضوئها ن فهم كثيراً من أسرار القرآن.^۵

در این تعریف تفسیر علمی برای روشن ساختن معارف قرآن است ، معارفی که می تواند بعد علمی هم داشته باشد. از سوی دیگر طرح این مباحث در قرآن به صورت ضمنی است و هدف اصلی توجه به معبود و عظمت خداوند است. از سوی دیگر آگاهی از علوم انسانی لازم است ، آنها برای فهم بهتر کلام وحی .

۳. أمين الخولي، مناهج تجديد / ۲۸۷.

۴. مجلة كلية الآداب جامعة بغداد: عبدالقهار داود عبدالله العاني، التفسير العلمي معالمة وضوابطه، العدد السادس والعشرون / ۸۸۱.

۵. المفسرون حياتهم ومنهجهم ، ج 1، ص 95.

۶. بكرى شيخ امين ، التعبير الفني في القرآن الكريم ، 125.

٣) التفسير الذی يتحدث عن الاصطلاحات العلمیه فی القرآن ویجتهد فی استخراج مختلف العلوم والآراء الفلسفیه منها.

در این تعریف، تحکیم نیست، ارتباط دادن نیست؛ بلکه سخن وحدیث گویی و اجتهاد در حوزه علوم اسلامی است. در هر کدام از این تعریفها نوعی موضع گیری است.

به هرحال تفسیر علمی با این چند تعریف جهتگیرانه مواجه است که معمولاً از سوی خود طرفداران آن ارائه نشده، ولی آنچه مسلم است آنکه تفسیر علمی تلاشی است که می خواهد آیات قرآن را بگونه ای تبیین کند که موافق با علم و نظریات علمی نشان دهد، یا دست کم این آیات مخالف علوم تجربی نباشد.

بی گمان در تفسیر علمی، افراط و تفریط های بسیاری شده است. اگر منظور از تفسیر علمی، همان تطبیق یا استخراج علوم و نظریات تجربی از قرآن باشد، قرآن کتاب علمی به معنای رایج نیست و به این گونه نیست که ناظر به مباحث علمی و تجربی عصر خود، مطالبی را عرضه کرده باشد.^۶ و

از سوی دیگر گفته اند: قرآن کتاب هدایت و دعوت انسان ها به توحید و معنویت و سعادت است. طرح مسائلی از قبیل خلقت زمین، آسمان، افلاک، نجوم، حیوانات، انسان و ... با هدف کندوکاو برای کشف قوانین و نظریه های علمی و تجربی نیامده است، اما به این معنا نیست که نظریات علمی آن عصر را که امروز ابطال شده، بیان کرده است.

اهمیت تفسیر علمی

اگر قرآن کتاب هدایت باشد، باید با امور واقعی که خداوند بر آنها آگاهی دارد، مردم را هدایت و متوجه آیات الهی کند و آنچه در متن پیام این کتاب است آشکار سازد، و اگر درجایی با نظریه علم تجربی قطعی ناسازگار است بگونه ای تأویل برد که با قدسی بودن آن مخالفت نداشته باشد.

البته ممکن است کسی این گونه توجیه کند که خداوند در بیان مسائل و گزارش پدیده های جهان، به گونه ای سخن گفته باشد که با اندیشه ها و تئوری های آن عصر سازگار بوده، و مفسرین آن عصر آیات را بر آن معانی تطبیق داده باشند، اما این تفسیر به هرحال نوعی تأویل در راستای تفسیر علمی است. و به این معنا نیست که قرآن چنین قصدی داشته است. بنابراین اهمیت دارد که بدانیم چه موضعی قابل دفاع است.

٦. در اشاره به این آیات و شبهه آن ر. ک: ایازی، محمدعلی: قرآن و فرهنگ زمانه، ص 30.

پیشینه تفسیر علمی

این نکته به خوبی روشن است که در پیشینه تفسیر، کسانی از مفسرین بوده اند که آیات مربوط به خلقت جهان را براساس نظریات آن زمان تفسیر کرده اند. به طور مثال، هیئت بطلمیوسی را بر قرآن تطبیق داده اند، دراین باره پیشتاز جریان تفسیر علمی ابوحامد غزالی در جواهر القرآن وفخر رازی و برخی دیگر است.

وممن نهج هذا المنهج من السلف «الغزالی» فی جواهر القرآن، و «الفخر الرازی» فی التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، و «الزركشی» فی البرهان و «السیوطی» فی الاتقان^۸ و «أبو الفضل المرسى» فی تفسیره.^۹

وفی العصر الح ديث خاصة - حيث تقدم العلم تقدماً واضحاً وأعجب الناس بشمراته - قد راج لدى جمع من

المفسرين، منهم الاسكندرانی فی «كشف الأسرار النورانية» والطنطاوی فی «الجواهر» وغيرهما.^{۱۰}

در حقیقت این شیوه از تفسیر در پاسخ به شبهه کسانی است که به لحاظ علمی خلقت آسمان و زمین را در شش روز مطابق با یافته های هئیت جدید نمی دانند و معتقدند با محاسبات زمانی آفرینش کره زمین در طی میلیون ها سال به وجود آمده است. نکته قابل توجه آنکه بسیاری از علما، و مفسرین برای تطبیق این آیات مدتی هئیت و نجوم و ریاضی را فراگرفته و با این علوم آشنایی پیدا می کرده اند.^{۱۱}

دیدگاه ها در تفسیر علمی

همانطور که از تعریف های تفسیر علمی آشکار شد با تلقی های گوناگون مواجه هستیم. برخی با تفسیر علمی مخالف و برخی با آن موافق و برخی در شرایط خاص با آن موافق هستند

انقسم الباحثون فی العصر الحديث الى فريقين:

فريق منع التوسع فی التفسیر العلمی والجری وراء النظريات العلمية القابلة للتغییر، والاقترار علی الحقائق العلمية وقواعد البحث العلمی.

وفريق آخر ظنّ أنّ التوسع فی التفسیر العلمی سبب فی تقوية إيمان الناس بالقرآن الكريم، ولهذا غلب علی تفاسیرهم وبحثهم القرآنية صبغة النظريات العلمية والقوانين الطبيعية، ويحكم الاصطلاحات العلمية علی القرآن ويجتهد فی استخراج هذه العلوم من القرآن.

۸. الزركشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲/۲۵، والسیوطی، الاتقان، ج ۲/۲۷۱ (النوع ۶۵)، وجواهر القرآن ۳۲/۳۲، ومفاتیح الغیب، الجزء ۱۴/۱۲۱.

۹. التفسیر والمفسرون، ج ۲/۴۷۸.

۱۰. المفسرون حیاتهم ومنهجهم، ج ۱، ص ۹۵.

۱۱. به عنوان نمونه: قادری سیدعلی، خمینی روح الله، ص ۳۹۷ - ۳۹۴، البته ایشان آورده که هیئت را نزد سید ابوالحسن قزوینی خواند. ر.ک همان، ص ۳۹۳.

موافقان در توضیح موافقت خود گفته اند: در قرآن کریم آیات بسیری است که درباره پیدایش جهان و طبیعت و انسان سخن گفته بعد علمی هم دارد. ما اگر بگوییم: خداوند هنگام بیان این مطالب با علم به باطل بودنش همان باطل ها را از باب همراهی با مردم قصد و بیان کرده، نامعقول است.^{۱۲}

به این جهت لازم است که امروز با توجه به یافته های علمی قطعی، تفسیرهای پیشین مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد تا معلوم گردد سخن خداوند در آیاتی که مربوط به خلقت زمین، آسمان، خورشید، ماه، مشارق، مغارب، بروج، نجوم، شب، روز، ابر، باران و ده ها مسئله آفرینش است، به چه معنا بوده است! چگونه می توان آیاتی را نادیده گرفت که درباره خلقت انسان و خصوصیات روحی و روانی او و چگونگی پیدایش و انتخاب وی به عنوان خلیفه آمده؛ و با همان اندیشه و نظریات پیشین خلقت آدم را به شکل سنتی تورات تفسیر کرد.^{۱۳}

مسئله فهم کامل و تفسیر منطقی این دسته از آیات، متوقف بر دانستنی هایی از علوم تجربی و انسانی و تحولات علمی روز است. زیرا مفسر ناچار است همه این آیات را توضیح دهد و نکات غامض و پیچیده آنها را بیان کند، و موضع قرآن را در برابر بسیاری از مسائلی که خود به آنها اشاره کرده؛ شرح دهد و چنین کاری جز با تفسیر علمی ممکن نیست. به ویژه اگر در ظاهر، آیاتی با علوم و یافته های روز در تنافی باشد.

همان طور که مفسر در آیه ای اگر با اصلی عقلی در تعارض باشد، به تأویل روی می آورد؛ در این آیات نیز برای پاسخ به شبهات با آگاهی از علوم روز، به گونه ای تفسیر کند که با مسلمات علمی مخالفتی نداشته باشد. البته مرز میان اصول و قواعد علمی و تجربی قطعی، با فرضیه های علمی باید حفظ شود. ممکن است مفسر به عنوان احتمال، پیام آیه ای را به نظریه ای علمی تفسیر کند، اما تطبیق قطعی در مورد تئوری های علمی برخلاف تفسیر علمی است.

بنابراین، چون قرآن با علم ناسازگاری ندارد، (وَلَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ)^{۱۴} به همین علت معنا ندارد، چیزی را بگوید که با حقایق علمی مخالفت و رویارویی داشته باشد و با علم به باطل بودنش، باطل را قصد کند. (إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ * وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ).^{۱۵} اینکه در قرآن شوخی و بیهودگی وجود ندارد، دلیل بر این است، که مطالب قرآن در بیان این گونه مسائل، باید به گونه ای تفسیر شود که برخلاف واقعیات علوم تجربی نباشد.

۱۲. تفصیل این بحث و نظریاتی را که در این حوزه مطرح است در کتاب قرآن و فرهنگ زمانه بخوانید.

۱۳. درباره خلقت آدم ر. ک: کتاب مقدس، سفر پیدایش، فصل دوم، آیه ۷ و آیات ۲۱ - ۲۳.

۱۴. فصلت / ۴۲. به راستی آن کتاب ارجمندی است که از پیش رو و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید.

۱۵. طارق / ۱۳. قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است و در آن شوخی و هزل نیست.

با این مقدمه به سراغ برخی دیدگاه‌ها در باب تفسیر علمی می‌رویم.

الف: قرآن کتاب هدایت و دعوت انسان‌ها به سلوک الی الله می‌باشد و اساس همتش بیان معارف است و اگر در این کتاب مسائل علمی مطرح شده و دارای اعجاز است به عنوان این است که قرآن کتاب علمی است، یا هدف از طرح این مطالب بیان مسائل علمی بوده است؛ بلکه بیان آنها در هر شرایط به عنوان آیه و علامت بر خالق هستی است و خداوند این مسائل را گفته تا به مسائل مهم قدرت خداوند توجه شود؛ بدین روی باید تمام همت به آن جهت مصروف گردد. از باب نمونه امام خمینی می‌نویسد:

قرآن شریف به قدری جا مع لطایف و حقایق و سرایر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می‌ماند و این، اعجاز بزرگ این صحیفه نورانیه آسمانی است. نه فقط حسن ترکیب و لطف بیان و غایت فصاحت ... و اتقان تنظیم عائله و امثال آن ... و جهات مهم تری که در آن موجود و جهت اعجازش بالاتر و پایه ادراکش عالی تر بود. اعراب آن زمان ادراک نکردند ... و اما آنهایی که به اسرار و دقایق معارف آشنا و از لطایف توحید و تجرید باخبرند، وجهه نظرشان در این کتاب الهی و قبله آمالشان در این وحی سماوی همان معارف آن است و به جهات دیگر چندان توجهی ندارند.^{۱۶}

ایشان در سخنی صریح تر در مورد پیام‌های قرآن، با پذیرش این اصل که در قرآن علوم بسیار مطرح شده، اما اساس پیام قرآن چیز دیگر است می‌گوید:

قرآن کریم که در رأس همه مکاتب و کتب است، حتی سایر کتب الهیه، آمده است که انسان را بسازد... و تمام علوم و تمام عبادات و تمام معارف الهیه... و همه اینها چیزهایی که هست همه اینها برای این معنا است که انسان ناقص را انسان کامل کند.^{۱۷}

ب: علوم روز باید در خدمت قرآن باشد، نه اینکه قرآن برای علوم روز باشد. به عبارت دیگر، برای فهم قرآن باید با آن علوم آشنایی داشت؛ زیرا همان طور که زرکشی می‌گوید، هر کس از علوم بهره بیشتر داشته باشد، نصیب او از علم قرآن بیشتر است،^{۱۸} بنابراین باید جهت فهم قرآن از این علوم استفاده کرد. به عنوان نمونه حضرت امام در تفسیر آیه: (هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ)، (حدید/۴) پس از اشاره به

۱۶. آداب الصلاة، ص ۲۶۳ - ۲۶۴.

۱۷. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۱۸.

۱۸. زرکشی، بدرالدین: البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۸.

معنای ظاهری آیه - که خلق آسمان و زمین در شش روز و استوای الهی بر عرش را بیان می کند - ایشان می نویسد:

عقول ارباب عقل در تفسیر این آیه شریفه متحیر است و هر کس به حسب مسلک خود در علم و عرفان تفسیر نموده، زیرا از نظر ظاهر تناسب ندارد که خداوند این آسمان و زمین را که به لحاظ علمی در طی میلیاردها سال به وجود آمده، در شش روز به زمان امروزی آفریده باشد.^{۱۹}

بدین روی ایشان احتمال عرفانی را ذکر می کند و آنگاه با استفاده از علوم روز احتمال دیگری را مطرح می سازد:

و در این مقام احتمال دیگری است که مصادات با این بیان عرفانی ندارد. و آن به حسب هیئت عصر حاضر است که ابطال هیئت بطلمیوسی را کرده است. و آن این است که غیر از این منظومه شمسی که ما داریم، منظومات شمسیه کثیره دیگری است که عدد آنها را کسی نتواند احصا کند - چنانچه تفصیل آن در کتب هیئت جدید [آمده] است: مراد از سماوات و ارض همین منظومه شمسی و مدارات کواکب و خود آنها باشد و تحدید آن به شش روز، حسب منظومه شمسی دیگری باشد و این احتمال از تمام احتمالات اقرب به ظاهر است، ولی مصادم با احتمالات عرفانیه نیست، زیرا آن [معنا] به حسب بطنی از بطون قرآن است.^{۲۰}

ج: نکته دیگر در تفسیر علمی امام این است که ایشان نشان می دهد، قرآن برخلاف علم نیست و اگر مفسران آیات را براساس نظریه های علمی پیشین تفسیر کرده و هم اکنون ابطال شده، تفسیر آنها بوده و نه بیان قرآن مهم تر از آن تلاش ایشان در معرفی قرآن برای توجه به معارف و الهیات و سیر و سلوک است،^{۲۱} جهتی که امام همواره به عنوان مقصد اصلی نزول و تفسیر قرآن از آن یاد می کند:

لسان قرآن را ببینید که (زَيِّنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ)،^{۲۲} به عکس هیأت بطلمیوس،^{۲۳} سماء دنیا، یعنی همین کهکشانی هم که شما می بینید، همه اینها آسمان پایین است، در سماء

۱۹. درباره احتمالات تفسیری این آیه ر. ک: احمد حنفی، التفسیر العلمی للآیات الکونیة، ص ۲۲۵.

۲۰. شرح چهل حدیث، ص ۶۵۸ - ۶۵۹.

۲۱. همان، ص ۳۹۰.

۲۲. سوره صافات / ۶: ما نزدیکترین آسمان را به زینت ستارگان آراستیم.

دنیا است. آن پایین ترها، آسمان ها و این کهکشان ها آن قدری اش که پیدا شده است، یعنی زینت شده است، آنها دارای میلیون ها شمس و بالاتر است و فوق اینها میلیاردها کهکشان، و میلیاردها چیز و ماوراء آنها هم خدا می داند. این عالم ماده است که تاکنون بشر دستش به آن [نرسیده]، نه در طرف اوجش، نه در طرف حسیضش، راجع به ذرات، آن مقدار کمی که دستش رسیده آن است که با این آلات می تواند ذرات کوچک را ببیند، اما آن کوچک ترها را دیگر باز نفهمیده است.^{۲۴}

آنگاه ایشان پس از این تحلیل که دیدگاه قرآن برخلاف دیدگاه بطلمیوس ما فوق هفت عدد می باشد و این کرات آسمانی و زمین و ستارگان و کهکشان ها، آسمان نزدیک این جهان هستند، به ابعاد اخلاقی آیه اشاره می کند و از این مطالب جهت یادآوری خطر قدرت و مقام و اینکه این مقامات در برابر جهان آفرینش و مخلوقات خ داوند چیزی نیست، سود می جوید:

ظهور ضعف انسان در خودنمایی و مقام پرستی، و انسان چقدر ضعیف است که خیال می کند در این دنیا که هست و در این شهر که هست و در این کشور که هست حالا باید خودنمایی کند. چقدر انسان باید جاهل باشد که این چیزها را مقام بداند و چقدر ضعیف النفس باشد که این حکومت را، حکومت ها را یک مقام بداند.^{۲۵}

مشابه همین شیوه استفاده از آیات و طرح مسائل علمی جدید و استفاده از منابع هئیت جدید در شرح آیه : (قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَاداً لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي) ^{۲۶} آمده است:

در عظمت فعل خداوند همین بس که ثابت شده عالم های اشباح و اجساد و هر آنچه که در آنهاست نسبت به عالم ملکوت مثل یک لحظه در مقابل خود زمان است. و عالم ملکوت نسبت به عالم جبروت چنین است. بلکه بین آن دو نسبتی نیست؛ و آنچه تاکنون از منظومه شمسی معلوم شده، به چهارده میلیون می رسد که هر یک از آنها با افلاک و سیاره ها و اقمار و تابعه اش مانند منظومه شمسی ماست یا به مراتب بزرگتر است، حتی منظومه شمسی ما به گرد

۲۳. در هئیت بطلمیوس، آسمان و زمین در لایه های هفت گانه همچون پوست پیاز قرار گرفته و زمین در مرکز آن واقع شده و ساکن است و سایر کواکب و اجرام آسمانی بر گرد آن حرکت می کند.

۲۴. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۲۶.

۲۵. همان.

۲۶. کهف / ۱۰۹. بگو اگر دریاها برای نوشتن کلمات پروردگارم مرکب شود، دریا پایان می پذیرد، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان برسد.

يكي از آنها می چرخد، با اینکه کره نپتون که دورترین سیاره منظومه شمسی ما است بر پایه تحقیقات جدید فاصله اش از خورشید ۲۷۴۶۵ میلیون میل است.^{۲۷}

وبعد هذا نقول: لقد اتسم التفسير العلمى للقرآن فى العصور المختلفة بظهور باحثين ربطوا الآيات القرآنية بنظريات علمية متغيرة، واستفاضوا فى أغرابهم بتفسير الآيات القرآنية مقمحة مع البحوث العلمية العامة، وكأنه م مصرون على ربط كل ما توصل إليه العلم فى حقول الظنيات بالقرآن الكريم الذى هو كتاب الهداية والاعجاز. وذهب آخرون بسبب هذا الاسراف والشطط والاغراب الى أن ينحوا باللائمة على هذا المنهج، ويبينوا آثاره الفكرية السيئة على تفسير القرآن.

إن القرآن الكريم كتاب هداية، والغاية من القرآن الكريم هو أن يكون موجّهاً روحياً يربط الناس بالملاء الأعلى ويعرفهم بالله تبارك وتعالى، ولم ينزل ليكون كتاباً علمياً يتناول الحقائق العلمية، كما تناولته الكتب الاختصاصية، والموضوعية فى عرضه لآيات تتعلق بها مسائل علمية كالمظاهر من الشمس والقمر والنبات والمطر وخلق الانسان والحيوانات و... حتى ليخبر عن كيفية تكوين الأرض والسماء والطب و... أو ليعطينا قواعداً علمية عن هذه الاشياء. بل أن القرآن الكريم حينما يتناول مظاهر الكون لكى يلفت النظر الى أن هذا الكون الدقيق الصنع هو من صنعه وإبداعه وتكوينه تبارك وتعالى، وأن الذى خلق الأرض وما عليها من عجائب وغرائب، وتفرد بعلمه وعظمته والوهيته لا يصح أن يعبد معه أحد سواه. وأن الله يبين لنا هذه الموضوعات ليلفت النظر الى الدليل النظرى الذى يدل على عظمته جل شأنه.

ومع هذا كله نجد أن القرآن الكريم قد تناول بعض الحقائق العلمية بأسلوب فى غاية الروعة والبلاغة حتى يتيقن العلماء بأن هذا الطرح للحقائق فوق مستوى عقولهم، فإنه قد أتى بنواميس علمية تجعل الانسان يعجب ويدهش خصوصاً اذا سمعها من نبي عربى أمى أتى بهذا الكتاب المعجز فى عصور الجهل والظلام وقبل خمسة عشر قرناً.^{۲۸} فالصحيح الذى يمكن أن يذهب اليه فى التفسير العلمى، هو الاستفادة من تطور العلوم والمعارف فى فهم كثير من الآيات الكونية والنفسية فى القرآن الكريم، فيحاول فى كشف مدلول الآية، أو تفسير آية قرآنية بحقيقة علمية أو نظرية علمية محددة المعالم، كما أكدّ جمع من المدققين منهم: الدكتور محسن عبد الحميد، حيث قال:

«التفسير العلمى للقرآن يمكن أن يتخذ مظهرين:

۲۷. شرح دعای سحر، ص ۳۳.

۲۸. الشهيد حسن البنا، نظرات فى القرآن / ۲۳، وانظر أيضاً من موارد: أبى حجر، التفسير العلمى فى الميزان / ۲۱۲.

أولهما: تسخير الحقائق العلمية في كشف مدلول الآية القرآنية، فاحتمال الخطأ هنا غير قائم، على سبيل المثال قوله تعالى: (فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى) ^{٢٩} فإذا جئنا فسخرنا علم الحياة كلها في تفسير هذه الآية، وبيان عظمة الخلق الالهي ودقته كان حسناً ومفيداً جداً ؛ لأننا سنبيّن هنا سر الإعجاز في هذه الآية الكريمة، فنحن نتحدث فقط عن تفاصيل خلق الكائنات وسبل الهداية ا لمتنوعة الدقيقة والعجيبة التي زود الله تعالى بها تلك الكائنات. ولم ندع أن القرآن فيه تفاصيل علم الكائنات، لأنّه من المعلوم أن تلك التفاصيل متروكة للعقل يكشف فيها قوانين الحياة الدقيقة المتنوعة المترابطة عبر الزمان والمكان.

وثانيهما: تفسير آية قرآنية بحقيقة علمية، أو نظرية علمية محددة المعالم، ففي قوله تعالى : (أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا) ^{٣٠} لا يمكن أن نقطع بأن الآية تدل دلالة قطعية على كروية الأرض، أو هي المعنى المقصود من الآية، لعدم قيام الدليل القطعي على ذلك، لا من منطوق الآية ولا من مفهومها، ولكن نستطيع أن نقول إنّه من الاحتمالات أن تكون كروية الأرض ضمن معنى الآية الكريمة.

فإذا جاء المفسر فادّعى أن المقصود بمعنى الآية تلك النظريات أخطأ في مدّعه، وإذا قال: ليس بعيداً أن يكون ذلك المعنى هو المراد، كان الاحتمال في صدق مدّعه قائماً، وحينئذ لم يفعل شيئاً إلاّ أنه استأنس بتلك النظريات في إلقاء الضوء على معنى الآية، فإذا أخطأ في التفسير لبطلان تلك النظريات في يوم من الأيام، كان الخطأ خطأ في التفسير، وليس بطلاناً لمعنى القرآن الكريم في آية من آياته» ^{٣١}.

دوره دكتورى

تفسير قرآن (٣)

٢٩. سورة طه / ٤٩ و ٥٠.

٣٠. سورة الرعد / ٤١.

٣١. تطور تفسير القرآن الكريم / ٢٢٦.

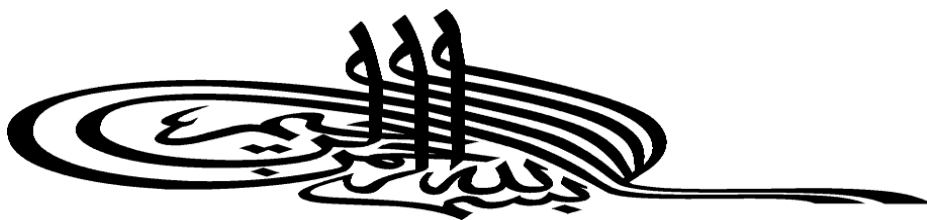
آشنایی

باگرایش علمی تفسیر

قرآن مجید

سید محمد علی ایازی

۱۳۸۶



مقدمه

تفسیر علمی در این سده اخیر از توجه بی سابقه ای برخوردار بوده است . و به همین موازات با تلقیات و برداشت های گوناگونی روبه رو بوده است. به ظاهر، تفسیر پرده برداری از معنای لفظ است، اما مراد از این اصطلاح، در این گرایش ظاهراً تنها توضیح دادن آیات قرآن در موضوعاتی است که در حوزه علوم تجربی قرار دارد . درحالی که برخی تفسیر علمی را به مثابه تطبیق نظریات و تئوری های علمی با آیات قرآن و حتی استخراج این علوم از قرآن دانسته، بدین روی گفته اند:

اگر منظور از تفسیر علمی، تفسیری باشد که اصطلاحات علوم را بر عبارت قرآن حاکم کند و تلاش نماید تا علوم مختلف را از قرآن استخراج کند، مورد اشکال است.^{۳۲}

اما تلقی دیگر می گوید: همان طور که علمی مانند : ادبیات، لغت، تاریخ و ... علمی است که به خدمت قرآن گرفته می شود و از آنها در جهت کمک به فهم قرآن سود می جویند، علوم تجربی نیز چنین نقشی را می تواند ایفا کند و به فهم مفسر در آیاتی کمک کند که به گونه ای به مسأله علمی اشاره دارد.^{۳۳}

به هر حال در باره تفسیر علمی تعریف های گوناگونی ارائه شده است ، باید این تعریف ها را از هم جدا و به صورت مستقل طرح کرد.

۴) موضع طرفداران مطلق تفسیر علمی و کسانی که معتقد به فراگیری قرآن در هر علمی هستند، در این تعریف گفته شده است :

هو تفسیر یذهب قائله الی استخراج جملة العلوم القديمة والحديثة من القرآن، ویری فی القرآن میداناً مخصَّصاً للعلم الفلسفی والانسانی فی الطب والتشریح والجراحة والفلك والنجوم والهیئة وخلايا الجسم وأصول الصناعات ومختلف المعادن، فیجعل القرآن مستوفیاً بآياته لهذه الحیثیات، ویحکم الاصطلاحات العلمیة فی القرآن ویجتهد فی استخراج هذه العلوم.^{۳۴}

۳۲. ذهبی، محمد حسین: التفسیر والمفسرون، ج 2، ص 474 و 485-491.

۳۳. حلمی محمد، عبدالحافظ: العلوم البیولوجیة فی خدمة تفسیر القرآن الکریم، مجله عالم الفکر، ج 12، شماره 4، ص 997.

۳۴. أمین الخولی، منهاج تجدید/287.

در این تعریف به تلاش مفسر در استخراج دانش ها و تحکیم اصطلاحات علمی بعبارات قرآنی اشاره شده است. از سوی دیگر در این تلاش برای استخراج انواع گوناگون علوم همچون: نجوم، فلسفه پزشکی، انسانی، از قرآن بمتابه کتاب علمی استفاده شده است.

۵) در تعریف دیگر آمده است: التفسير العلمی: ربط الحقائق العلمية الثابتة للعوالم الكونية والطبيعية المختلفة بمعاني الآيات القرآنية بدلالة الألفاظ اللغوية على المعاني في المشهور من المأثور والمعهود في اللغة.^{۳۵} تکیه این تعریف، استناد به الفاظ قرآن و روش اجتهادی و دلالت کلام به روش مفسرین پیشین است. مانند طنطاوی در تفسیر الجواهر.

و هذا غير استخراج جملة العلوم القديمة والحديثة من القرآن و فرق واضح بينهما؛ لأن الأول: يعتقد بتضمن القرآن لجميع هذه العلوم من حيث هي علوم ومعارف، والثاني: يعتقد أن القرآن حين تناول مظاهر الكون عامة من الشمس والقمر والنبات والمطر، لم يتناولها ليعطينا قواعد علمية عن هذه الاشياء، ولكن ليلفت النظر الى الدليل النظري الذي يدل على عظمة الله جل شأنه، ولن نستطيع أن نلفت النظر إن لم نطلع على العلوم والمعارف، إذ في ضوءها نفهم كثيراً من أسرار القرآن.^{۳۶}

در این تعریف تفسیر علمی برای روشن ساختن معارف قرآن است، معارفی که می تواند بعد علمی هم داشته باشد. از سوی دیگر طرح این مباحث در قرآن به صورت ضمنی است و هدف اصلی توجه به معبود و عظمت خداوند است. از سوی دیگر آگاهی از علوم انسانی لازم است، آنها برای فهم بهتر کلام وحی.

۶) التفسير الذي يتحدث عن الاصطلاحات العلمية في القرآن ويجتهد في استخراج مختلف العلوم والآراء الفلسفية منها.

در این تعریف، تحکیم نیست، ارتباط دادن نیست؛ بلکه سخن وحدیث گویی و اجتهاد در حوزه علوم اسلامی است. در هر کدام از این تعریفها نوعی موضع گیری است.

۳۵. مجلة كلية الآداب جامعة بغداد : عبد القهار داود عبدالله العاني، التفسير

العلمي معالمه ووضوئطه، العدد السادس والعشرون/181.

۳۶ المفسرون حياتهم ومنهجهم، ج 1، ص 95.

۳۶. بكرى شيخ امين، التعبير الفني في القرآن الكريم، 125.

به هر حال تفسیر علمی با این چند تعریف جهتگیرانه مواجه است که معمولاً از سوی خود طرفداران آن ارائه نشده، ولی آنچه مسلم است آنکه تفسیر علمی تلاشی است که می‌خواهد آیات قرآن را بگونه‌ای تبیین کند که موافق با علم و نظریات علمی نشان دهد، یا دست کم این آیات مخالف علوم تجربی نباشد.

بی‌گمان در تفسیر علمی، افراط و تفریط‌های بسیاری شده است. اگر منظور از تفسیر علمی، همان تطبیق یا استخراج علوم و نظریات تجربی از قرآن باشد، قرآن کتاب علمی به معنای رایج نیست و به این گونه نیست که ناظر به مباحث علمی و تجربی عصر خود، مطالبی را عرضه کرده باشد.^{۳۷} و^{۳۸}

از سوی دیگر گفته‌اند: قرآن کتاب هدایت و دعوت انسان‌ها به توحید و معنویت و سعادت است. طرح مسائلی از قبیل خلقت زمین، آسمان، افلاک، نجوم، حیوانات، انسان و... با هدف کندوکاو برای کشف قوانین و نظریه‌های علمی و تجربی نیامده است، اما به این معنا نیست که نظریات علمی آن عصر را که امروز ابطال شده، بیان کرده است.

اهمیت تفسیر علمی

اگر قرآن کتاب هدایت باشد، باید با امور واقعی که خداوند بر آنها آگاهی دارد، مردم را هدایت و متوجه آیات الهی کند و آنچه در متن پیام این کتاب است آشکار سازد، و اگر درجایی با نظریه علم تجربی قطعی ناسازگار است بگونه‌ای تأویل برد که با قدسی بودن آن مخالفت نداشته باشد.

البته ممکن است کسی این گونه توجیه کند که خداوند در بیان مسائل و گزارش پدیده‌های جهان، به گونه‌ای سخن گفته باشد که با اندیشه‌ها و تئوری‌های آن عصر سازگار بوده، و مفسرین آن عصر آیات را بر آن معانی تطبیق داده باشند، اما این تفسیر به هر حال نوعی تأویل در راستای تفسیر علمی است. و به این معنا نیست که قرآن چنین قصدی داشته است. بنابراین اهمیت دارد که بدانیم چه موضعی قابل دفاع است.

پیشینه تفسیر علمی

این نکته به خوبی روشن است که در پیشینه تفسیر، کسانی از مفسرین بوده‌اند که آیات مربوط به خلقت جهان را براساس نظریات آن زمان تفسیر کرده‌اند. به طور مثال، هیئت بطلمیوسی را بر قرآن تطبیق داده‌اند، در این باره پیش‌تاز جریان تفسیر علمی ابوحامد غزالی در جواهر القرآن و فخر رازی و برخی دیگر است.

۳۷. در اشاره به این آیات و شبهه آن ر. ک: ایازی، محمدعلی: قرآن و فرهنگ زمانه، ص 30.

وممن نهج هذا المنهج من السلف «الغزالي» في جواهر القرآن، و «الفخر الرازي» في التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، و «الزركشي» في البرهان و «السيوطي» في الاتقان^{٣٩} و «أبو الفضل المرسى» في تفسيره.^{٤٠}

وفي العصر الح ديث خاصة - حيث تقدم العلم تقدماً واضحاً وأعجب الناس بشمراته - قد راج لدى جمع من المفسرين، منهم الاسكندراني في «كشف الأسرار النورانية» والطنطاوي في «الجواهر» وغيرهما.^{٤١}

در حقيقت اين شبوه از تفسير در پاسخ به شبهه كسانی است كه به لحاظ علمي خلقت آسمان و زمين را در شش روز مطابق با يافته های هئيت جديد نمی دانند و معتقدند با محاسبات زمانی آفرينش كره زمين در طی ميليون ها سال به وجود آمده است . نکته قابل توجه آنكه بسياری از علما، و مفسرين برای تطبيق اين آيات مدتی هئيت و نجوم و رياضي را فراگرفته و با اين علوم آشنایی پيدا می کرده اند.^{٤٢}

دیدگاه هادر تفسیر علمی

همانطور كه از تعريف های تفسير علمی آشكار شد با تلقي های گوناگون مواجه هستيم . برخی با تفسير علمی مخالف و برخی با آن موافق و برخی در شرايط خاص با آن موافق هستند

انقسم الباحثون في العصر الحديث الى فريقين:

فريق منع التوسع في التفسير العلمی والجری وراء النظريات العلمية القابلة للتغيير، والاقتصار على الحقائق العلمية وقواعد البحث العلمی.

وفريق آخر ظنّ أنّ التوسع في التفسير العلمی سبب في تقوية إيمان الناس بالقرآن الكريم، ولهذا غلب ع لی تفاسيرهم وبحوثهم القرآنية صبغة النظريات العلمية والقوانين الطبيعية، ويحكم الاصطلاحات العلمية على القرآن ويجتهد في استخراج هذه العلوم من القرآن.

٣٩. الزركشي، البرهان في علوم القرآن، ج 2/25، والسيوطي، الاتقان، ج 2/271 (النوع 65)، وجواهر القرآن/32، ومفاتيح الغيب، الجزء 14/121.

٤٠. التفسير والمفسرون، ج 2/478.

٤١. المفسرون حياتهم ومنهجهم، ج 1، ص 95.

٤٢. به عنوان نمونه : قادری سيدعلی، خمینی روح الله، ص 397 - 394، البته ایشان آورده كه هیئت را نزد سيد ابوالحسن قزوینی خواند. رك همان، ص 393.

موافقان در توضیح موافقت خود گفته اند: در قرآن کریم آیات بسیری است که درباره پیدایش جهان و طبیعت و انسان سخن گفته بعد علمی هم دارد. ما اگر بگوییم: خداوند هنگام بیان این مطالب با علم به باطل بودنش همان باطل ها را از باب همراهی با مردم قصد و بیان کرده، نامعقول است.^{۴۳}

به این جهت لازم است که امروز با توجه به یافته های علمی قطعی، تفسیرهای پیشین مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد تا معلوم گردد سخن خداوند در آیاتی که مربوط به خلقت زمین، آسمان، خورشید، ماه، مشارق، مغارب، بروج، نجوم، شب، روز، ابر، باران و ده ها مسئله آفرینش است، به چه معنا بوده است! چگونه می توان آیاتی را نادیده گرفت که درباره خلقت انسان و خصوصیات روحی و روانی او و چگ و نگی پیدایش و انتخاب وی به عنوان خلیفه آمده؛ و با همان اندیشه و نظریات پیشین خلقت آدم را به شکل سنتی تورات تفسیر کرد^{۴۴}

مسئله فهم کامل و تفسیر منطقی این دسته از آیات، متوقف بر دانستنی هایی از علوم تجربی و انسانی و تحولات علمی روز است. زیرا مفسر ناچار است همه این آیات را توضیح دهد و نکات غامض و پیچیده آنها را بیان کند، و موضع قرآن را در برابر بسیاری از مسائلی که خود به آنها اشاره کرده؛ شرح دهد و چنین کاری جز با تفسیر علمی ممکن نیست. به ویژه اگر در ظاهر، آیاتی با علوم و یافته های روز در تنافی باشد.

همان طور که مفسر در آیه ای اگر با اصلی عقلی در تعارض باشد، به تأویل روی می آورد؛ در این آیات نیز برای پاسخ به شبهات با آگاهی از علوم روز، به گونه ای تفسیر کند که با مسلمات علمی مخالفتی نداشته باشد. البته مرز میان اصول و قواعد علمی و تجربی قطعی، با فرضیه های علمی بلید حفظ شود. ممکن است مفسر به عنوان احتمال، پیام آیه ای را به نظریه ای علمی تفسیر کند، اما تطبیق قطعی در مورد تئوری های علمی برخلاف تفسیر علمی است.

بنابراین، چون قرآن با علم ناسازگاری ندارد، (وَلَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ)^{۴۵} به همین علت معنا ندارد، چیزی را بگوید که با حقایق علمی مخالفت و رویارویی داشته باشد و با علم به باطل بودنش، باطل را قصد

۴۳. تفصیل این بحث و نظریاتی را که در این حوزه مطرح است در کتاب قرآن و فرهنگ زمانه بخوانید.

۴۴. درباره خلقت آدم ر. ک: کتاب مقدس، سفر پیدایش، فصل دوم، آیه 7 و آیات 21 - 23.

۴۵. فصلت / 42. به راستی آن کتاب ارجمندی است که از پیش رو و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید.

کند. (إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ * وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ).^{۴۶} اینکه در قرآن شوخی و بیهودگی وجود ندارد، دلیل بر این است، که مطالب قرآن در بیان این گونه مسائل، باید به گونه ای تفسیر شود که برخلاف واقعیات علوم تجربی نباشد.

با این مقدمه به سراغ برخی دیدگاه ها در باب تفسیر علمی می رویم.

الف: قرآن کتاب هدایت و دعوت انسان ها به سلوک الی الله می باشد و اساس همتش بیان معارف است و اگر در این کتاب مسائلی علمی مطرح شده و دارای اعجاز است به عنوان آیه و علامت بر خالق هستی است و خداوند این مسائل را گفته تا به مسائل مهم توجه شود؛ بدین روی باید تمام همت به آن جهت مصروف گردد:

قرآن شریف به قدری جامع لطایف و حقایق و سرایر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می ماند و این، اعجاز بزرگ این صحیفه نورانیه آسمانی است. نه فقط حسن ترکیب و لطف بیان و غایت فصاحت ... و اتقان تنظیم عائله و امثال آن ... و جهات مهم تری که در آن موجود و جهت اعجازش بالاتر و پایه ادراکش عالی تر بود. اعراب آن زمان ادراک نکردند ... و اما آنهایی که به اسرار و دقایق معارف آشنا و از لطایف توحید و تجرید باخبرند، وجهه نظرشان در این کتاب الهی و قبله آمالشان در این وحی سماوی همان معارف آن است و به جهات دیگر چندان توجهی ندارند.^{۴۷}

ایشان در سخنی صریح تر در مورد پیام های قرآن، با پذیرش این اصل که در قرآن علوم بسیار مطرح شده، اما اساس پیام قرآن چیز دیگر است می گوید:

و قرآن کریم که در رأس همه مکاتب و کتب است، حتی سایر کتب الهیه، آمده است که انسان را بسازد... و تمام علوم و تمام عبادات و تمام معارف الهیه ... و همه اینها چیزهایی که هست همه اینها برای این معنا است که انسان ناقص را انسان کامل کند.^{۴۸}

ب: علوم روز باید در خدمت قرآن باشد، نه اینکه قرآن برای علوم روز باشد. به عبارت دیگر، برای فهم قرآن باید با آن علوم آشنایی داشت؛ زیرا همان طور که زرکشی می گوید، هر کس از علوم بهره بیشتر داشته باشد، نصیب او از علم قرآن بیشتر است،^{۴۹} بنابراین باید جهت فهم قرآن از این علوم استفاده کرد. به عنوان نمونه حضرت امام در تفسیر آیه: (هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ)، (حدید/۴) پس از اشاره به

۴۶. طارق / 13. قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است و در آن شوخی و هزل نیست.

۴۷. آداب الصلاة، ص 263 - 264.

۴۸. صحیفه امام، ج 3، ص 218.

۴۹. زرکشی، بدرالدین: البرهان فی علوم القرآن، ج 2، ص 48.

معنای ظاهری آیه - که خلق آسمان و زمین در شش روز و استوای الهی بر عرش را بیان می کند - ایشان می نویسد:

عقول ارباب عقل در تفسیر این آیه شریفه متحیر است و هر کس به حسب مسلک خود در علم و عرفان تفسیر نموده، زیرا از نظر ظاهر تناسب ندارد که خداوند این آسمان و زمین را که به لحاظ علمی در طی م یلیاردها سال به وجود آمده، در شش روز به زمان امروزی آفریده باشد.^{۵۰}

بدین روی ایشان احتمال عرفانی را ذکر می کند و آنگاه با استفاده از علوم روز احتمال دیگری را مطرح می سازد:

و در این مقام احتمال دیگری است که مصادات با این بیان عرفانی ندارد . و آن به حسب هیئت عصر حاضر است که ابطال هیئت بطلمیوسی را کرده است . و آن این است که غیر از این منظومه شمسی که ما داریم، منظومات شمسیه کثیره دیگری است که عدد آنها را کسی نتواند احصا کند - چنانچه تفصیل آن در کتب هیئت جدید [آمده] است: مراد از سماوات و ارض همین منظومه شمسی و مدارات کواکب و خود آنها باشد و تحدید آن به شش روز، حسب منظومه شمسی دیگری باشد و این احتمال از تمام احتمالات اقرب به ظاهر است، ولی مصادم با احتمالات عرفانیه نیست، زیرا آن [معنا] به حسب بطنی از بطون قرآن است.^{۵۱}

ج: نکته دیگر در تفسیر علمی امام این است که ایشان نشان می دهد، قرآن برخلاف علم نیست و اگر مفسران آیات را براساس نظریه های علمی پیشین تفسیر کرده و هم اکنون ابطال شده، تفسیر آنها بوده و نه بیان قرآن مهم تر از آن تلاش ایشان در معرفی قرآن برای توجه به معارف و الهیات و سیر و سلوک است،^{۵۲} جهتی که امام همواره به عنوان مقصد اصلی نزول و تفسیر قرآن از آن یاد می کند:

لسان قرآن را ببینید که (زَيِّنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ)،^{۵۳} به عکس هیأت بطلمیوس،^{۵۴} سماء دنیا، یعنی همین کهکشانی هم که شما می بینید، همه اینها آسمان پایین است، در سماء

۵۰. درباره احتمالات تفسیری این آیه ر . ک: احمد حنفی، التفسیر العلمی للآیات الکونیة، ص 225.

۵۱. شرح چهل حدیث، ص 658 - 659.

۵۲. همان، ص 390.

۵۳. سوره صافات / 6: ما نزدیکترین آسمان را به زینت ستارگان آراستیم.

دنیا است. آن پایین ترها، آسمان ها و این کهکشان ها آن قدری اش که پیدا شده است، یعنی زینت شده است، آنها دارای میلیون ها شمس و بالاتر است و فوق اینها میلیاردها کهکشان، و میلیاردها چیز و ماوراء آنها هم خدا می داند. این عالم ماده است که تاکنون بشر دستش به آن [نرسیده]، نه در طرف ا وجش، نه در طرف حسیضش، راجع به ذرات، آن مقدار کمی که دستش رسیده آن است که با این آلات می تواند ذرات کوچک را ببیند، اما آن کوچک ترها را دیگر باز نفهمیده است.^{۵۵}

آنگاه ایشان پس از این تحلیل که دیدگاه قرآن برخلاف دیدگاه بطلمیوس ما فوق هفت عدد می باشد و این کرات آسمانی و زمین و ستارگان و کهکشان ها، آسمان نزدیک این جهان هستند، به ابعاد اخلاقی آیه اشاره می کند و از این مطالب جهت یادآوری خطر قدرت و مقام و اینکه این مقامات در برابر جهان آفرینش و مخلوقات خداوند چیزی نیست، سود می جوید:

ظهور ضعف انسان در خودنمایی و مقام پرستی، و انسان چقدر ضعیف است که خیال می کند در این دنیا که هست و در این شهر که هست و در این کشور که هست حالا باید خودنمایی کند. چقدر انسان باید جاهل باشد که این چیزها را مقام بداند و چقدر ضعیف النفس باشد که این حکومت را، حکومت ها را یک مقام بداند.^{۵۶}

مشابه همین شیوه استفاده از آیات و طرح مسائل علمی جدید و استفاده از منابع هئیت جدید در شرح آیه : (قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي) ^{۵۷} آمده است:

در عظمت فعل خداوند همین بس که ثابت شده عالم های اشباح و اجساد و هر آنچه که در آنهاست نسبت به عالم ملکوت مثل یک لحظه در مقابل خود زمان است. و عالم ملکوت نسبت به عالم جبروت چنین است. بلکه بین آن دو نسبتی نیست؛ و آنچه تاکنون از منظومه شمسی معلوم شده، به چهارده میلیون می رسد که هر یک از آنها با افلاک و سیاره ها و اقمار و

۵۴. در هئیت بطلمیوس، آسمان و زمین در لایه های هفت گانه همچون پوست پیاز قرار گرفته و زمین در مرکز آن واقع شده و ساکن است و سایر کواکب و اجرام آسمانی بر گرد آن حرکت می کنند.

۵۵. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۲۶.

۵۶. همان.

۵۷. کشف / ۱۰۹. بگو اگر دریاها برای نوشتن کلمات پروردگارم مرکب شود، دریا پایان می پذیرد، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان برسد.

تابعه اش مانند منظومه شمسی ماست یا به مراتب بزرگتر است، حتی منظومه شمسی ما به گرد یکی از آنها می چرخد، با اینکه کره نپتون که دورترین سیاره منظومه شمسی ما است بر پایه تحقیقات جدید فاصله اش از خورشید ۲۷۴۶۵ میلیون میل است.^{۵۸}

وبعد هذا نقول: لقد اتسم التفسير العلمي للقرآن في العصور المختلفة بظهور باحثين ربطوا الآيات القرآنية بنظريات علمية متغيرة، واستفاضوا في أغرابهم بتفسير الآيات القرآنية مقمحة مع البحوث العلمية العامة، وكأنهم مصرون على ربط كل ما توصل إليه العلم في حقول الظنيات بالقرآن الكريم الذي هو كتاب الهداية والاعجاز. وذهب آخرون بسبب هذا الاسراف والشطط والاغراب الى أن ينحوا باللائمة على هذا المنهج، ويبينوا آثاره الفكرية السيئة على تفسير القرآن.

إنّ القرآن الكريم كتاب هداية، والغاية من القرآن الكريم هو أن يكون موجّهاً روحياً يربط ال ناس بالمالأ الأعلى ويعرّفهم بالله تبارك وتعالى، ولم ينزل ليكون كتاباً علمياً يتناول الحقائق العلمية، كما تناولته الكتب الاختصاصية، والموضوعية في عرضه لآيات تتعلق بها مسائل علمية كالمظاهر من الشمس والقمر والنبات والمطر وخلق الانسان والحيوانات و... حتى ليخبر عن كيفية تكوين الأرض والسماء والطب و... أو ليعطينا قواعداً علمية عن هذه الاشياء . بل أنّ القرآن الكريم حينما يتناول مظاهر الكون لكي يلفت النظر الى أنّ هذا الكون الدقيق الصنع هو من صنعه وإبداعه وتكوينه تبارك وتعالى، وأنّ الذي خلق الأرض وما عليها من عجائب وغر ائب، وتفرد بعلمه وعظمته والوهيته لا يصح أن يعبد معه أحد سواه. وأنّ الله يبيّن لنا هذه الموضوعات ليلفت النظر الى الدليل النظرى الذى يدل على عظمته جل شأنه.

ومع هذا كله نجد أنّ القرآن الكريم قد تناول بعض الحقائق العلمية بأسلوب فى غاية الروعة والبلاغة حتى يتيقن العلماء بأنّ هذا الطرح للحقائق فوق مستوى عقولهم، فإنه قد أتى بنواميس علمية تجعل الانسان يعجب ويدهش خصوصاً اذا سمعها من نبي عربى أمى أتى بهذا الكتاب المعجز فى عصور الجهل والظلام وقبل خمسة عشر قرناً.^{۵۹}

۵۸. شرح دعای سحر، ص 33.

۵۹. الشهيد حسن البناء، نظرات في القرآن / 23، وانظر أيضاً من مواردہ : أبي حجر، التفسير العلمي في الميزان/ 212.

فالصحيح الذى يمكن أن يذهب اليه فى التفسير العلمى، هو الاستفادة من تطور العلوم والمعارف فى فهم كثير من الآيات الكونية والنفسية فى القرآن الكريم، فيحاول فى كشف مدلول الآية، أو تفسير آية قرآنية بحقيقة علمية أو نظرية علمية محددة المعالم، كما أكد جمع من المدققين منهم: الدكتور محسن عبد الحميد، حيث قال:

«التفسير العلمى للقرآن يمكن أن يتخذ مظهرين:

أولهما: تسخير الحقائق العلمية فى كشف مدلول الآية القرآنية، فاحتمال الخطأ هنا غير قائم، على سبيل المثال قوله تعالى: (فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى) ٦٠ فإذا جئنا فسخرنا علم الحياة كلها فى تفسير هذه الآية، وبيان عظمة الخلق الالهى ودقته كان حسناً ومفيداً جداً؛ لأننا سنبيّن هنا سر الإعجاز فى هذه الآية الكريمة، فنحن نتحدث فقط عن تفاصيل خلق الكائنات وسبل الهداية المتنوعة الدقيقة والعجيبة التى زود الله تعالى بها تلك الكائنات. ولم ندع أن القرآن فيه تفاصيل علم الكائنات، لأنه من المعلوم أن تلك التفاصيل متروكة للعقل يكتشف فيها قوانين الحياة الدقيقة المتنوعة المترابطة عبر الزمان والمكان.

وثانيهما: تفسير آية قرآنية بحقيقة علمية، أو نظرية علمية محددة المعالم، ففى قوله تعالى: (أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا)، ٦١ لا يمكن أن نقطع بأن الآية تدل دلالة قطعية على كروية الأرض، أو هى المعنى المقصود من الآية، لعدم قيام الدليل القطعى على ذلك، لا من منطوق الآية ولا من مفهومها، ولكن نستطيع أن نقول إنه من الاحتمالات أن تكون كروية الأرض ضمن معنى الآية الكريمة.

فإذا جاء المفسر فادّعى أن المقصود بمعنى الآية تلك النظريات أخطأ فى مدّعا، وإذا قال: ليس بعيداً أن يكون ذلك المعنى هو المراد، كان الاحتمال فى صدق مدّعا قائماً، وحينئذ لم يفعل شيئاً إلا أنه استأنس بتلك النظريات فى إلقاء الضوء على معنى الآية، فإذا أخطأ فى التفسير لبطلان تلك النظريات فى يوم من الأيام، كان الخطأ خطأ فى التفسير، وليس بطلائعاً لمعنى القرآن الكريم فى آية من آياته» ٦٢.

٦٠. سورة طه/ 49 و 50.

٦١. سورة الرعد/ 41.

٦٢. تطور تفسير القرآن الكريم/ 226.

دوره دکتری

تفسیر قرآن (۳)

آشنایی

باگرایش تاریخی تفسیر

قرآن مجید

سید محمد علی ایازی

۱۳۸۶

گرایش تاریخی

المنهج التاريخى

للمنهج التاريخى عدة دلالات سنعرض بعض منها:

١- يميل بعض الباحثين الى تفسير القرآن تفسيراً تاريخياً، ويقصدون منه الجانب التطبيقى فى تواريخ الأمم السابقة والقرون الغابرة، وذلك باستخدام القياس التمثيلى عليها، وإدانة الشاهد بحسب جرائم الغائب على أساس ما ورد مثلاً: فى ظلم الظالمين والمتجبرين فى الأرض، والطُغيان الفردى الذى اتسم به كل من فرعون وهامان وقارون وأضرابهم، فيدان كل ظالم على أساس ما ورد فى تاريخ هؤلاء، والأمور تقاس بنظائرها . وكذلك الحال بالنسبة

للأمم المتعاقبة كمدین وعاد وثمرود وبنی اسرائیل، وتحذیر كل امة مما أصاب تلك الأمم فی ضوء التفسیر التاريخی لأعمال أولئك.^{٦٣}

وقد یعبر عن محاولة هذا المنهج باستنباط السنن التاريخية من منظار اجتماعی تربوی فی التفسیر؛ لأنّ المفسر فی هذا المنهج ينظر من ناحية علم الاجتماع فی أحوال البشر فی أطوارهم وأدوارهم ومناشیء اختلاف أحوالهم من قوة وضعف، وعز وذل، وعلم وجهل، وإیمان وكفر، ويمیل الى علم الاجتماع وفلسفة التاريخ. وهذا بحث تفسیری موضوعی حیوی تحذیری من صمیم أهداف القرآن، إلاّ أنه خارج عن مقصدنا فی التعریف بالمناهج التفسیریة الترتیبیة.

٢- وقد یراد بالمنهج التاريخی، تفسیر للقرآن حسب اعتبارات تاریخیة تنظر إلى الامة التي نزل فیها، وإلى لغة تلك الأمة، فالذی ورد فی النص جاء فی ظرف تاریخی وجغرافی خاص والمخاطب بها كان ضمن ظروف معینة ومعلوماته تناسب. ذلك العصر ولم یكن منقطعاً عن ظروف الزمان والمكان وعلیه اذا اردتا تسریه هذه الاحكام الى ازمئة وامكنة اخرى، یجب التوجه للعوارض ولا بدّ ان یعلم کیف طور القرآن من دلالاتها اللغویة، فأکسبها تصرفاً جدیداً تلقّاه المستعملون لهذه اللغة بلقبول والتطویر، فكانت اللغة أداة للتعبیر عن قیم وحضارات لا یمكن تجاهلها. وبهذا التفسیر التاريخی، نستطیع أن نصل الى فهم جدید للقرآن على أساس تطور اللغة العربیة فی مراحلها التاريخیة مادام القرآن قد نزل بلسان عربی مبین، وما دام فهمه یتوقف على فهم هذه اللغة ف هماً بعيداً عن مشاكل الاختلاف والاجتهاد والروایة، فكأنه ینحو بهذا المنحی إلى ادراك النظرة التاريخیة للغة العربیة ومدالیه الاجتماعیة والسیاسیة والتشریعیة فی مراحل تطورها؛ لأنّ ذلك من الأسباب الفاعلة فی استكناه المعانی، وتغییر دلالاتها مدى العصور التي مرت على القرآن تاریخیاً، فكما یدرك هذا التغییر الزمنی الذی مرّ باللغة، فكذلك تفهم معانی القرآن بأسرارها الجمالیة والتکلیفیة على النحو الذی أدركنا به تطور هذه اللغة، فعاد فهم النص القرآنی مرتبطاً بهذا التطور الذی حدث باللغة العربیة من جمیع الوجوه.^{٦٤}

«ویراد بهذه التاريخیة أن یلاحظ المفسر کیف تلقّی الناس قبله هذا النص، وکیف فهموه واستنبطوه، وکیف طبقوا أحكامه وشرائعه، وکیف وقفوا بین عروف البینات التي أنقل إليها، وبین هذه الأحكام».^{٦٥}

٦٣. الصغیر، محمد حسین، المبادئ العامة لتفسیر القرآن الکریم/118.

٦٤. نفس المصدر/119.

٦٥. انظر: مقالة تاریخیة فی فهم النصوص الدینیة، من المؤلف فی مجلة علوم الحدیث لمؤسسة دار الحدیث قم، عدد 29 ودراستات فی القرآن للسید أحم خلیل/15، نقلاً عن المبادئ العامة لتفسیر القرآن/120.

ولكن القسم الأخير من التفسير التاريخي ملحق بالمنهج اللغوى والبيانى، ولا بد أن نبحث عنه فى هذا المنهج وقد ذكرنا بطوله لشبهة حصلت فى معنى المصطلح.

